

## تحولات خانواده و بازخوانی معنای عشق به منزله شورش در رهایی

(با تأکید بر فیلم «صحنه‌هایی از یک ازدواج»، ساخته اینگمار برگمان)

منصوره زارعان\*

پردیس عامری\*\*

### چکیده

از آنجا که خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که در اشکال مختلف در هر جامعه‌ای یافت می‌شود، مطالعه این نهاد و تحولات آن از مسیر فهم تحولات سایر جوامع، به ویژه جوامع توسعه یافته حائز اهمیت است. در دوره معاصر، همراه با تغییرات نگرشی درباره خانواده، مناسبات زنان و مردان در این نهاد، دستخوش تغییرات مهمی شده است. در تحقیق حاضر، با تأکید بر تحولات ناشی از چرخش دیدگاه‌ها درباره مناسبات و مفاهیم خانواده هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان در غرب، به بررسی تغییر شیوه تعاملات همسران، همچنین تلاش برای فهم تغییر معنای عشق در این جوامع، با یاری از فیلم صحنه‌هایی از یک ازدواج، ساخته اینگمار برگمان پرداخته شده است. با یاری از روش نظریه مبنایی، هفت مقوله از مفاهیم و تحلیل داده‌ها استخراج شده اند که مقوله «بازخوانی مفهوم عشق» به عنوان مقوله مرکزی شناسایی شده است. همچنین در بسط معنایی حاصل از تحلیل ارتباط منطقی مقولات، مفهوم «شورش در رهایی» به منزله واکنش انسان مدرن غربی در مقابل تحول معنای سنتی عشق، دریافت شد که در مواردی می‌تواند به مثابه عامل سرگشتگی انسان در مواجهه ناگهانی خانواده با جریان با مدرنیته تعبیر شود.

**کلیدواژه‌ها:** تحولات خانواده، موج دوم فمینیسم، عشق، فیلم صحنه‌هایی از یک ازدواج.

---

\* دکترای جامعه‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا  
m.zareazn@alzahra.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان (گرایش مطالعات نظری جنسیت)، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده  
مسئول)، Pardisameri27@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

## ۱. کلیات

### ۱.۱ مقدمه: بیان مسئله و ضرورت تحقیق

از آنجاکه برای پی بردن به روند تحولات یک پدیده، جست‌وجوی شکل اولیه عوامل تشکیل‌دهنده ضرورت دارد، در مطالعات خانواده نیز لازم است تا حدی تابع چنین روندی باشیم. خانواده به تدریج شکل قدیمی خود را از دست داده و در نتیجه، تغییراتی در کارکردهای این نهاد پدید آمده است. تعاملات خانوادگی و روابط میان همسران تحت تأثیر شرایط اجتماعی، شرایط مکانی و زمانی خانواده قرار گرفته و دگرگونی‌هایی چشمگیر در آن پدید آمده است. هر یک از این حوزه‌ها، ابعاد وسیعی را شامل می‌شوند؛ اگرچه امکان دارد تعمیم نتایج مطالعات دیروز به خانواده‌های امروزی و تعمیم نتایج امروز به فردا، به برداشتی نادرست از وضعیت خانواده امروزی و برنامه‌ریزی‌های غلط در این حوزه منجر شود؛ اما برای فهم روند تحولات، مطالعه سیر تاریخی این تحولات در جهان معاصر، ناگزیر است. در نوشتار حاضر که به تبیین تحولات خانواده‌های غربی هم‌زمان با موج دوم فمینیسم با تأکید بر محتوای فیلم ساخته‌شده در سوئد هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان و تحولات خانواده و تغییر معنایی عشق پرداخته شده، تلاش می‌شود تفکرات غالب بر جامعه و تعاملات زندگی خانوادگی و ارتباط همسران در آن دوره و هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان در غرب، به تصویر کشیده شود، بازخوانی و تحلیل شود تا بتوان از خلال مفاهیم و مقولات، به نوعی بسط معنایی، مفهومی یا نظری درباره سیر این تحولات در مناسبات خانواده غربی و تغییر معنایی عشق دست یافت. مطالعاتی از این نوع که به جوامعی اختصاص دارد که دچار تحولات ساختاری و نقش‌های خانوادگی شده‌اند، می‌توانند در آینده زمینه‌ساز تحلیل‌هایی واقعی‌تر از آنچه در جوامع توسعه یافته صورت گرفته، باشند. در پژوهش حاضر، با مرور تئوریک نظریات مرتبط با تأثیرگذاری مطالعات رسانه و تحلیل‌های این حوزه، مروری بر نظریات پست‌مدرن و آرای گیدنز در باب عشق و آرای فمینیستی، با تأکید و تمرکز بر داده‌های برآمده از فیلم ساخته‌شده با همین مضمون در دهه ۷۰ قرن بیستم که هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان غرب و تغییرات نگرشی اساسی در آن زمان بوده است، به جمع‌آوری داده‌ها، استخراج مفاهیم و مقوله‌سازی پرداخته می‌شود تا بستر ساز فهم بهتر روند تحولات نگرشی در حوزه زنان و خانواده در غرب و شناخت باشد. به صورت معمول، ضرورت مطالعاتی که به شکل نقد فیلم یا نقد کتاب، به تحلیل آثار هنری در بستر زمانی خاصی می‌پردازند، آنجا روشن می‌شود که بخواهیم به

سنجش میزان تغییرات و بررسی روند این تغییرات در زمان یا جامعه‌ای خاص پردازیم. این رویکردهای مطالعاتی باعث می‌شوند با تحلیل داده‌های مستند، چشم‌انداز دقیقی برای بررسی و فهم روند تحولات جهانی در دوره‌های مختلف داشته باشیم و بتوانیم به صورتی عمیق‌تر، به بررسی تغییرات اجتماعی در آن بستر زمانی- مکانی پردازیم.

## ۲.۱ پرسش‌های تحقیق

در جریان موج دوم جنبش‌های زنان غرب، برجسته‌ترین مقولات تحول‌نگرشی در مناسبات خانوادگی، چه بوده و معنای عشق در جریان تحولات جهانی خانواده چه تغییری کرد؟

## ۳.۱ اهداف تحقیق

یافتن مقوله هسته‌ای که تبیین‌کننده تحولات نگرشی درباره نقش‌ها و مطالبات زنان در حوزه خانواده و دستیابی به معنای نوین حاصل از بازخوانی مفهوم عشق در جوامع غربی هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان باشد.

## ۲. پیشینه و مرور تئوریک

### ۱.۲ پیشینه پژوهش

از میان مطالعات مختلفی که در حوزه تحولات خانواده صورت گرفته، به چند مورد می‌توان اشاره کرد و در کنار آن به برخی تحقیقات درباره بازنمایی زنان و تحولات خانواده در رسانه‌ها و گردآوری داده‌ها از محل فیلم‌ها، سریال‌ها و رسانه‌های جمعی با هدف شناخت فضای حاکم در دوره‌های معاصر، اشاره خواهد شد. در تحقیقی با عنوان «عوامل محدودکننده دگرگونی‌های ساختاری و عملکردی خانواده از دیدگاه میان‌رشته‌ای» (حیدری بیگوند، ۱۳۸۰، ص. ۶۲۷-۶۶۷)، سعی شده عوامل آسیب‌زای دگرگونی‌های ساختاری و عملکردی خانواده به عنوان نهاد رابط اجتماعی شدن به طور عام و خاص در خانواده‌های کامل و ناقص ایرانی تا حد امکان به نحوی منظم بررسی شود. نتایج آن بر این اساس است: دگرگونی‌های ساختاری و عملکردی خانواده، تحت تأثیر سه سطح بیولوژیک، روانی و اجتماعی بوده و میان آنها نوعی پیوستگی برقرار است. در مطالعه روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی، (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۱-۲۴) نهاد خانواده در سه نسل

و از منظر تغییرات و دگرگونی‌های پدیدآمده در یک دوره زمانی کمتر از یک قرن، بررسی شده است. نتیجه به دست آمده این بود که در خانواده تهرانی تغییراتی پدید آمده است و نگرش افراد در خانواده درباره مسائل عمده‌ای مانند ازدواج، روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، مهریه، جهیزیه، مراسم عروسی، طلاق و ... تغییر نکرده است. در تحقیقی دیگر با عنوان «تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر ارزش‌های خانواده» (طنازی، ۱۳۹۱)، به بررسی اثرات جهانی شدن فرهنگ بر نظام ارزشی خانواده‌های ایرانی پرداخته شده است. جهان مدرن بر اثر ارتباطات و رسانه‌ها، به گونه‌ای به هم پیوسته شده است که بحران کوچکی در یک بخش از آن اثرات زیادی بر سایر نقاط بر جای می‌گذارد. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری تصادفی بین ۳۰۰ نفر از افراد مناطق تهران انجام شده است. نتیجه حاصل این بوده که بر اثر تحولات مدرنیته بر نهاد خانواده، ساختار خانواده و ازدواج در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متحول شده است. نتایج مطالعه‌ای با عنوان «مقایسه سبک‌های دل‌بستگی در دوره‌های مختلف تحول خانواده» (دهقان، ۱۳۹۰)، نشان داده است: سبک دل‌بستگی همسران در دوره سالمندی سبکی ایمن است و در حقیقت، در این دوره از زندگی، احتمال اینکه همسران به نوعی ارتباط همدلانه، دل‌بستگی، حمایت و نگهداری بیشتر از هم برسند، بالاتر است. در پژوهش «بازنمایی خانواده‌ی ایرانی در فیلم یک حبه قند» (بشیر و اسکندری، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۳-۱۶۱)، به بررسی تحولات خانواده از مسیر تحلیل گفتمان فیلم پرداخته شده است. مطابق نتایج تحقیق، کارگردان در این اثر، عناصر سنتی و مدرن را مقابل هم و در معرض مقایسه قرار داده و در نهایت آنچه به عنوان بهترین نوع خانواده معرفی شده است، خانواده استوار بر اساس عناصر سنتی و مدرن در کنار هم است.

## ۲.۲ مرور تئوریک

درباره منشأ و چگونگی پیدایش خانواده و شکل‌گیری ازدواج، نظرات فراوانی وجود دارد؛ نظراتی که مرتبط یا در تقابل با هم هستند و در تحلیل و فرایند کدگذاری داده‌های تحقیق حاضر، به آنها توجه می‌شود. قبل از ورود به بحث لازمه نوشتار حاضر تعریفی از عشق به عنوان یکی از حلقه‌های اصلی تحلیل فیلم مدنظر است. نیاز به عشق ورزیدن و معشوق بودن، ریشه‌های عمیقی در طبیعت آدمی دارد؛ در عین حال، نوعی دستاورد نیز هست، چیزی که شخصا می‌آفرینیم نه اینکه صرفاً آن را غریزی دریافت یا پیدا

کنیم (آرمسترانگ، ۱۳۹۳، ۱۸۸-۱۸۷). عشق نیز مانند هر مفهوم دیگری سیری تاریخی گذرانده و از زیبایی صرف در اندیشه افلاطونی و بررسی‌های زیست‌شناسانه داروینیسیم، در قرن ۲۰ و ۲۱ با واژه‌هایی مانند همزیستی، عشق به ذات، همدردی و... تکامل یافته است. شوپنهاور برای عشق و تعریف آن یک حقیقت واحد را ملاک قرار می‌دهد؛ اراده یا خواست و توضیح می‌دهد که چون اراده میل به بودن دارد؛ یعنی عشق به هستی خود، همواره ملازم با عشق است. این نگرش به عشق در باور اریک فروم بعد اجتماعی‌تری می‌یابد و متأثر از اجتماع تلقی می‌شود. در نیم‌قرن گذشته، تغییرات زیادی در حوزه‌های مختلف، از جمله در خانواده، رخ داده که روند انتقال از مدرنیسم به پست‌مدرن نام‌گذاری شده است. مدرنیسم شورشی علیه استبداد دنیای ماقبل مدرن محسوب می‌شود. مدرنیته به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد، در اروپا پیدا شد (گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۴). با ورود به دوره پست‌مدرن، افراد ترجیح می‌دهند بیشتر به نیازهای شخصی بپردازند. در این دوره، خانواده دچار تحولات شگرفی شد؛ پست‌مدرنیسم در مسائل فرهنگی، ادبیات، مسائل اجتماعی و حتی در سیاست نفوذ کرد (Hutcheon, 2002). گیدنز با برشمردن عوامل مؤثر بر دگرگونی خانواده، معتقد است فقط یک راه برای فهم تغییرات حوزه خانواده وجود دارد و آن، ظهور دموکراسی در عواطف است. دموکراسی عاطفی یعنی وجود تساوی بین دو جنس و اعتماد افراد در ارتباطات و تصمیمات. آن‌گونه که گیدنز از دموکراسی عاطفی و در نتیجه آن شکل‌گیری رابطه ناب می‌گوید، چنان می‌نماید که گویی عشق در روابط خانوادگی در فضا شناور است. شاید همین تعبیر، زیگمونت باومن را به سوی بررسی سیالیت عشق در دوران جدید هدایت کرده است؛ گرچه باومن نگاهی متفاوت به مفهوم عشق سیال دارد و مراد او شکنندگی روابط انسانی در دنیای مدرن است. باومن از نوعی عشق سخن می‌گوید که می‌تواند هر لحظه شکل بگیرد یا زدوده شود. او اصطلاح «روابط جیب بلوز» را به کار می‌برد و منظور او آن است که روابط در دنیای مدرن روابطی هستند که افراد می‌توانند در هنگام نیاز، آنها را شکوفا کنند، ولی پس از رفع نیاز، آنها را در جیب خود پنهان می‌کنند (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۱۳). در نظریه استرنبرگ هم عشق به شکل یک مثلث مرکب از سه بخش: صمیمیت، شوروشوق (شهوت) و تصمیم و تعهد توصیف شده است. در دیدگاه او، عشق مثلثی است که همواره دارای این سه عنصر مهم بوده و به‌ندرت این سه عنصر به طور مساوی در فردی جمع می‌شوند و میزان وجود هر یک از ابعاد، در روابط عاشقانه میان افراد (از جمله عشق میان همسران) متفاوت است. ترکیب‌های متفاوت این عناصر سه‌گانه با هم، انواع متفاوتی از

عشق را به وجود می‌آورد که برخی با سطوح بالاتری از رضایتمندی در دنیای امروز همراه هستند (استرنبرگ، ۱۹۸۶، ص. ۱۲۱-۱۱۹). آنچه بعنوان تعریف عشق در نوشتار حاضر مدنظر است، به منزله پایبندی به تعهدات افراد در قبال خانواده یعنی در ساحت اخلاق فردی و همچنین در ساحت اخلاق اجتماعی است. بنابراین اینکه در تحلیل حاضر مناسبات و روند زندگی یوهان و ماریانه را به عنوان یک زوج مورد واکاوی قرار می‌دهیم بدین معناست که مفهوم عشق به منزله مسئولیت‌پذیری هریک را در قبال خود و دیگری، خانواده و جامعه مدنظر داریم.

در کنار این نظرات، آنچه لازم است مدنظر تحلیل‌ها قرار گیرد، نظریات خانواده و رسانه است. در زمینه نقش رسانه‌ها در دگرگونی ارزش‌های فردی و اجتماعی جوامع، می‌توان به یکی از الگوهای مسلط در حوزه ارتباطات و توسعه در دهه ۶۰ تا ۷۰ اشاره کرد که رسانه‌ها را موتور دگرگونی و تغییر ارزش‌های جوامع سنتی و ورود به جامعه مدرن می‌دانست. براساس این نظریه، رسانه به اشاعه آن نوع نظام ارزشی کمک می‌کند که خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف است. دانیل لرنر از پیروان این رویکرد، به نقش رسانه‌ها در تغییر ارزش‌های سنتی جوامع و جایگزین شدن ارزش‌های مدرن اشاره می‌کند و باور دارد رسانه می‌تواند به فروپاشی سنت‌گرایی که معضلی برای جریان نوسازی محسوب می‌شود، کمک کند. این کار با بالا رفتن انتظارات و توقعات، باز شدن افق‌ها، تواناشدن مردم به تخیل ورزیدن و طلب کردن شرایط زندگی بهتر برای خود و خانواده خود، عملی می‌شود (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۴). دیوید رایزمن سیر تحول جوامع و دگرگونی‌های آنها را ناشی از تحول ارتباطات و وسایل ارتباطی می‌داند. او سیر زندگی بشر را به سه دوره تقسیم‌بندی کرده و در این دوره‌ها، به نقش رسانه‌ها در تغییر سنت‌ها و ایجاد شکاف نسلی اشاره می‌کند. دوره اول مورد توجه او، دوره سنت راهبر است که سنت‌ها فرهنگ را انتقال می‌دهند و هر نسل پیوند خود با نسل‌های پیشین را از طریق اشتراک سنت‌ها بازمی‌یابد. (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۱). نکته اینجاست که رایزمن نقش بسیار زیادی برای سنت در دوره سنت راهبر قائل است. وی بر این عقیده است که نقش سنت در دو دوره بعد (درون راهبر و دگر راهبر) بسیار ضعیف می‌شود. اما این مطلب صحیح نیست؛ زیرا سنت نقش تأثیرگذار خود را در هیچ دوره‌ای از دست نمی‌دهد، بلکه تغییر کرده و حتی خودش را با رسانه‌های جدید هماهنگ می‌کند و رسانه‌ها را به ابزاری برای تبلیغ خودش تبدیل می‌کند. اکنون به قول رایزمن در دوره دگر راهبر هستیم، ولی شاهدیم که نقش سنت در بسیاری از

کشورهای صنعتی هنوز از بین نرفته است و در بسیاری از جوامع (حتی جوامع نیمه‌صنعتی مانند چین و ژاپن)، نقشی راهبردی در فرایند تأثیرگذاری دارد. با توجه به اینکه رسانه‌ها به اشکال گوناگون بر اعضا، مناسبات و کارکردهای خانواده تأثیر می‌گذارند، مطالعه و تحلیل فیلم‌های سینمایی ساخته‌شده در زمان‌ها و مکان‌های خاص، در فهم الگوهای رفتاری، سیر و تاریخ تحولات خانواده، کارساز هستند. در بحث رسانه و تأثیر آن بر جوامع مدرن، لرنر برخلاف محققان و اندیشمندان دیگر حوزه‌های ارتباطات، وسعه ارتباطات و تأثیر آن را مدنظر قرار داده است. وی تمرکز خود را در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی گذاشته است. به اعتقاد لرنر مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای نوشتن، عبارت‌اند از: شهرنشینی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، بسط رسانه‌های گروهی و مشارکت. لرنر بر این عقیده است که رسانه با جلب افراد باسواد به خود، موجب تسریع دگرگونی‌های اجتماعی شده و در نتیجه بیداری سیاسی و اجتماعی را در پی داشته است (گرانمایه‌پور، ۱۳۸۵). در الگوی مدنظر لرنر، توسعه رسانه در کنار شهرنشینی، جامعه مدنی را ایجاد می‌کند که افراد در آن از ظرفیت بالایی برای شناسایی مشخصه‌های جدید دارند و در کنار آن همدلی بسیاری نیز با فضای اجتماعی ایجاد می‌کنند. همین همدلی سطح مشارکت در جوامع مدرن را بالا می‌برد.

هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان، نگرش فمینیست‌ها به خانواده بسیار انتقادی بود و بیشتر بر نقش خانواده در فرودستی زنان توجه می‌کردند. استدلال کلی آنها این بود که موقعیت زنان به عنوان همسر و مادر، همچنین فرایند جامعه‌پذیری در خانواده که نگرش‌های مربوط به زن و مرد و زنانگی و مردانگی را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند، نقش اصلی را در فرودست‌سازی زنان و تداوم تقسیم کار جنسیتی و روابط میان زن و مرد دارند (مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۲). جسی برنارد، نظریه‌پرداز فمینیسم لیبرال، ازدواج را به دو نوع فرهنگی و نهادی تقسیم کرده است. او ازدواج نوع دوم را به نفع مردان و به ضرر زنان می‌داند و خواستار رهایی زنان از آن بود. وی با ارائه شواهدی از درجه تنش زنان و مردان ازدواج کرده و زنان و مردان مجرد نتیجه می‌گرفت که ازدواج برای مردان خوب و برای زنان بد است و تأثیر نابرابر زناشویی روی دو جنس، زمانی متوقف می‌شود که زن و شوهر از قیدوبندهای نهادی رایج رهایی یابند و ازدواجی را در پیش گیرند که بهترین همخوانی را با نیازها و شخصیتشان دارد (آبوت و کلر، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۵). جولیت میچل نظریه‌پرداز سوسیال فمینیسم نیز به اینکه زنان نه‌فقط در جنبه‌های مادی بلکه در ابعاد روان‌کاوانه نیز مورد ستم واقع شده‌اند، بر نقش خانواده در انتقال هویت اجتماعی به فرد به

عنوان عضو یکی از دو گروه جنسی مذکر یا مؤنث، انگشت می‌گذارد و عقیده دارد نظام پدرسالار از راه ایجاد نقش‌های زنانه و مردانه در خانواده و اعطای ارزش بیشتر به نقش و جایگاه مردان، زنان را برای پذیرش فرودستی شرطی کرده است (ویلفرد، ۱۳۷۵، ص. ۳۷۶). بطور کلی در نگرش‌ها و تحلیل‌های سنتی فیلم و رسانه، شاهد سیطره مباحث روان‌کاوی فرویدی ولاکانی هستیم؛ در نتیجه مسائلی مانند «نگاه خیره»، «تفاوت جنسی»، «اشتیاق» و «فقدان» بیشتر مورد تمرکز بوده‌اند؛ اما با برجسته‌تر شدن اهمیت رسانه و سینما در ایجاد تحولات اجتماعی، بر اساس آنچه در استدلال لرنز هم اشاره شد، محققان و هنرمندان به چالش «تفاوت»، عکس‌العمل نقادانه مثبتی نشان دادند و برای بالابردن آگاهی جامعه، شیوه‌های مؤثر و خلاقانه‌ای تولید کردند.

### ۳. روش‌شناسی

روش مناسب و گزینش‌شده از نوع کیفی و به روش نظریه‌مبنایی است. روش نظریه‌مبنایی عبارت است از شیوه پژوهش کیفی که تأکید بر شکل‌دهی یا تدوین تئوری یا بسط نظری و مفهومی خاص دارد. شاید بتوان در تعریفی ساده آن را روشی برای گردآوری داده‌ها از میدان تحقیق قلمداد کرد. این روش با یک فرضیه ساختارمند آغاز نمی‌شود و قصد ندارد نظریه‌ای را به آزمون بگذارد، به دلیل تحلیل‌های استقرایی، قابلیت بالایی در انجام تحقیقات در حوزه هنر و رسانه دارد؛ چراکه در این نوع تحقیقات، متغیرها هنوز ناشناخته‌اند و در نتیجه پژوهشگر می‌تواند متغیرهایی را بر مبنای داده‌های گردآوری‌شده شناسایی کند. سه عنصر اصلی روش نظریه‌مبنایی، مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها هستند. مفاهیم، واحدهای اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهند؛ مقوله‌ها، حاصل گروه‌بندی مفاهیم هستند و گلاسر و استراوس در کتاب کشف نظریه‌مبنایی (۱۹۶۷)، گزاره‌ها را در واقع نوعی فرضیه تلقی کرده‌اند (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۵۴). در تحلیل داده‌هایی که در روش نظریه‌مبنایی جمع‌آوری شده‌اند، از فرایند کدگذاری استفاده می‌شود. فرایند کدگذاری به سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تقسیم می‌شود. در این روش، مقولات به صورت نظام‌مند در سه دسته شرایطی، عمل/تعاملی و پیامدی دسته‌بندی می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳). با جمع‌آوری داده‌ها از سکانس‌ها و دیالوگ‌های فیلم، گزاره‌های معنا دار و سپس تحلیل معناکاوانه و هرمنوتیک داده‌ها، مفاهیم مربوط به آنها مشخص شده و در مقوله‌هایی که به اشباع نظری می‌رسند، دسته‌بندی می‌شوند. در نهایت، مقوله برجسته‌ای که سایر مقولات



حول آن تبیین می‌شوند، مقوله مرکزی یا هسته است و از دل آن می‌توان به نوعی بسط معنایی و مفهومی در باب عشق رسید.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۱.۴ دربارهٔ اینگمار برگمان

ارنست اینگمار برگمان (۱۹۱۸)، کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده سوئدی سینما بود. او در سوئد به دنیا آمد و به عنوان کارگردان و فیلم‌سازی مؤلف در مسائل اجتماعی زمان خود شناخته می‌شود. آثار برگمان معمولاً به پرسش‌های وجودی از قبیل مرگ، تنهایی، ایمان، نیاز، خوشبختی، سردرگمی انسان، عشق و رهایی تمرکز دارند. با این تفاسیر، می‌توان گفت برای درک عمیق از تحولات خانواده در موج دوم جنبش‌های زنان در سوئد، آثار برگمان منابعی درخور ارزیابی، واقع‌گرایانه و بدون تعصب و سوگیری، همراه با باریک‌بینی ویژه‌ای به شمار می‌روند. در نتیجه آثار و دیدگاه او را برای تحلیل و فهم تحولات آن زمان و تطابق دادن آن با شرایط امروز جوامع روبه‌توسعه همچون جامعه‌ی کنونی ما، راهگشا هستند.

##### ۲.۴ دربارهٔ فیلم صحنه‌هایی از یک ازدواج

فیلم صحنه‌هایی از یک ازدواج، فیلمی شامل شش اپیزود است و برگمان تلاش دارد که مناسبات و تعاملات همسران، به‌ویژه آثار تغییرات آگاهی هم‌زمان با دوران مدرن در خانواده را به تصویر بکشد. این فیلم، برگرفته از تحولات نگرشی زنان و خانواده‌های سوئد در دهه ۷۰ است که به دلیل نمایش گوشه‌ای از تحولات واقع‌گرایانه‌ی زندگی انسان مدرن، توانست برگمان را به کارگردانی بین‌المللی تبدیل کند.

##### ۳.۴ محتوای فیلم‌نامه

ماریانه که متخصص مسائل حقوقی طلاق است، ۱۰ سال است که با «یوهان»، استاد یک انستیتوی تحقیقاتی ازدواج کرده است. آنها که دو فرزند و زندگی تقریباً مرفهی دارند، به عنوان یک زوج ایده‌آل انتخاب می‌شوند و خبرنگاری برای مصاحبه به خانه‌شان می‌آید. در جواب سؤال‌های خبرنگار، اولین جرقه‌های تردید به خوشبختی در آنها زده می‌شود و

کم‌کم شروع به خرده‌گرفتن از یکدیگر می‌کنند. در ایزود دوم، زنی که پس از ۲۰ سال زندگی مشترک می‌خواهد طلاق بگیرد، به دفتر حقوقی ماریانه مراجعه می‌کند. مطالب ویژه‌ای مطرح می‌شوند که به تغییر نگرش‌های زنان در آن دوران و خواسته‌های مغفول‌مانده آنها اشاره دارند. در ایزود سوم، یوهان نیمه‌شب از سفر بازمی‌گردد تا به ماریانه بگوید به یکی از شاگردانش به نام پائولا دل بسته و می‌خواهد صبح روز بعد با او به پاریس برود. ماریانه در قالب کلیشه‌ای زن همدل و سازگار همیشگی با او برخورد می‌کند؛ حتی به او برای ماندن التماس می‌کند و قول می‌دهد خود را بیشتر با خواسته‌هایش مطابقت دهد؛ اما در آخر دچار حمله عصبی می‌شود. صحنه‌ها طوری به هم چسبیده‌اند که گویا این دو در ۱۰ سال زندگی مشترک خود فقط تظاهر به خوشبختی کرده بودند. در پایان ایزود سوم، تنفر و خشم آنها به هم، به تماشاگر القا می‌شود. در ایزود چهارم، یوهان به سوئد باز می‌گردد و ماریانه را در غیاب پائولا (همسر جدیدش) ملاقات می‌کند. ماریانه اعتراف می‌کند که هنوز به او وابسته است و از قید عاطفی ازدواجش رها نشده، اما یوهان بی‌تفاوت و درگیر زندگی جدید خود است. در ایزود پنجم، این دو در دفتر یوهان برای امضای طلاق‌نامه هستند. این بار یوهان پیشنهاد بازگشت می‌دهد؛ اما ماریانه که حالا با ترس‌های قبلس کنار آمده و مشغول یافتن هویت جدید خود است، مخالفت می‌کند. یوهان که عادت به مخالفت او ندارد با حرکاتی هیستریک زن را به باد کتک می‌گیرد. در سکانس آخر، بعد از ۱۰ سال، این دو را می‌بینیم که هرکدام ازدواج دیگری کرده‌اند و در ظاهر خوشبخت هستند، در بیستمین سالگرد آشنایی، یکدیگر را ملاقات می‌کنند در حالی که ارتباطی دوستانه و فاقد کینه‌ها و خشم‌های سالیان گذشته دارند و از سویی می‌بینیم که در درستی مسیری که انتخاب کرده‌اند و تغییرات احساسی و خانوادگی که آنها را به آنجا رسانیده است، تردید دارند و معترف به نوعی سرگشتگی نهان هستند.

#### ۴.۴ مقولات و زیرمقوله‌های تحقیق

با تحلیل دیالوگ‌ها و سکانس‌های فیلم، مقولات اصلی (شرایطی تعاملی و پیامدی) در پاسخ به سؤال محوری و کلی پژوهش استخراج می‌شوند. در پاسخ به این سؤال که در جریان موج دوم جنبش‌های زنان غرب، برجسته‌ترین مقولات مبتنی بر تحول نگرشی در مناسبات خانوادگی چه بوده‌اند و عشق در جریان این تحولات جهانی خانواده چه معنایی گرفت، داده‌هایی از دیالوگ‌ها و سکانس‌های فیلم جمع‌آوری می‌شود که با اشاره به برخی نمونه‌ها

از دیالوگ‌ها، تحلیل آنها، مفهوم‌سازی، دسته‌بندی مفاهیم به مقولات و در نهایت جای‌دادن مقولات در دسته‌های شرایطی، عمل/تعامل و پیامدی، استخراج مقوله مرکزی و در صورت امکان، بسط مفهومی و معنایی از این مقوله صورت می‌گیرد.

#### ۱.۴.۴ مقولات شرایطی (علّی - مداخله‌گر - زمینه‌ای)

مقوله‌های شرایطی در سه دسته شرایطی علّی، شرایطی زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر تفکیک می‌شوند. شرایط علّی، رویدادهایی هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳). در تحقیق حاضر، مقولات شرایطی علّی، مقولاتی هستند که منجر به تحولات خانواده هم‌زمان با موج دوم فمینیسم شده‌اند. شرایط مداخله‌گر، شرایط علّی را تخفیف، شدت یا تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۹۷۱، ص. ۱۵۴). در تحقیق حاضر، الگوی ارتباطی این زوج، به‌ویژه تعاملات شغلی ماریانه که منجر به برخورد او با زنانی شده که سال‌هاست از ازدواجشان می‌گذرد و تازه تصمیم به طلاق گرفته‌اند، مقولات علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر چنانچه بتوانند به اشباع مفهومی برسند، شکل می‌گیرند (مفاهیم برآمده از تحلیل داده‌های متن، در پراتز بعد از هر دیالوگ آورده می‌شوند).

#### ۱.۱.۴.۴ هنجارهای مسلط اجتماعی (مقوله شرایطی علّی)

در اپیزود دوم، زوج نقش اصلی فیلم، در جواب خبرنگاری که از آنها می‌خواهد خودشان را معرفی کنند، کاملاً متفاوت برخورد می‌کنند. یوهان مرد شخصیت اصلی، با غرور و اعتمادبه‌نفس و کاملاً آسوده از توانایی‌هایش می‌گوید: «من سرزنده، باهوش، متعادل، با فرهنگ، کتاب‌خوانده، دارای آگاهی‌های حقیقی و مهربان هستم. استادیار مؤسسه روش‌های روانشناسی هستم». یوهان در توصیف همسرش ماریانه که او هم یک حقوق‌دان شاغل است، به طنز می‌گوید: «او زیباست» (تفاوت معیارهای ارزشمندی زنان و مردان - کلیشه‌های رایج و هنجارهای مسلط اجتماعی در تعاملات خانواده). اما ماریانه برای جواب‌دادن به همین سؤالات خبرنگار، مردد است و دائم به همسرش برای تأیید سخنانش می‌نگرد. در اپیزود دوم، زنی مسن دیده می‌شود که به دفتر حقوقی ماریانه برای طلاق مراجعه کرده است. در بخشی از سخنانش می‌گوید: «الان فهمیده‌ام که شاید هیچ‌وقت آن‌گونه که فکر می‌کرده‌ام عاشق فرزندانم نبوده‌ام، اگرچه همیشه در ظاهر مادری خوب بوده‌ام» (نفوذ موج بازاندیشی در حوزه خصوصی - نواندیشی درباره تعاملات خانوادگی - بازاندیشی در معنای عشق). ماریانه در اپیزود دوم دغدغه‌های ایجادشده‌اش به‌ویژه

رضایت نداشتن از روابطش با یوهان را تاحدی ابراز می‌کند. اما یوهان می‌گوید: «نباید این‌گونه مسائل ابتدایی را چندان بزرگ کنی. تو از استانداردهای بالایی که داری رنج می‌بری» (مقصود نمود کردن زنان در رضایت نداشتن از روابط خانوادگی و زناشویی - تسلط ارزش‌ها و کلیشه‌های رایج). زن در این گفت‌وگو اعتراضی نمی‌کند اما همچنان سعی می‌کند نقش کلیشه‌ای همسر خوب را با وجود آنچه به عنوان نارضایتی دارد، ادامه دهد و حفظ کند (تسلط فرهنگ غالب زن خوب به همسری مطیع - کلیشه‌های رایج). در اپیزود سوم، ماریانه که ناگهان شباهنگام از عشق شوهرش به زنی با نام پائولا آگاه می‌شود، می‌گوید: «تو از کجا باید بدانی در فکر من چه می‌گذرد؟ شب شده و به هر حال همین است که هست و کاریش نمی‌شود کرد. برویم بخوابیم». زن در تمام مدت خود را ملزم به پنهان کردن خشمش می‌داند (شناخت نداشتن عمیق زوج از هم - ضروری دیدن ادامه روابط خانوادگی به صورت قراردادی - تلاش زن برای تطبیق خود با هنجارها و کلیشه‌های جامعه - تصور نداشتن حق اعتراض). زمانی که ماریانه در اپیزود پنجم برای قطعی کردن طلاقش با یوهان قرار گذاشته است، از جا بلند می‌شود تا از دفتر او بیرون رود، مرد در را قفل می‌کند و می‌گوید: «من می‌خواهم امشب اینجا بمانی» (نپذیرفتن حق انتخاب و رهایی برای زن). زمانی که ماریانه سعی می‌کند محل را ترک کند، ماریانه و یوهان به صورت جنون‌آمیزی با هم گلاویز می‌شوند. در نهایت ماریانه آسیب‌دیده از آنجا خارج می‌شود (بازنمایی نادیده گرفتن خواست و حق زن - خشم هنجارهای غالب در برابر تلاش زنان برای بازیابی هویت).

#### ۲.۱.۴.۴ آغاز موج نواندیشی فرهنگی (مقوله شرایط زمینه‌ای)

ماریانه در اپیزود اول و در حال مصاحبه با خبرنگاری که این زوج را به عنوان زوج نمونه معرفی می‌کند، می‌گوید: «نداشتن مشکل، خودش یک مشکل خطرناک است» (جرئت‌ورزی برای بازنگری در تعاملات - ارزیابی فرهنگ مسلط). زمانی که ماریانه از شغلش حرف می‌زند، ژست جدی و متفاوتی دارد که برای زن خبرنگار جالب است و سریعاً از او عکس می‌گیرد (آغاز حساسیت رسانه‌ای به بازنمایی زن مستقل). یوهان در همین مصاحبه، می‌گوید: «ازدواج ما به درخواست ماریانه بود». ماریانه توضیح می‌دهد: «ما هر دو پریشان بودیم و اصلاً عاشق هم نبودیم، فقط هر دو درمانده بودیم؛ اما بعد از ازدواج عاشق هم شدیم» (جرئت‌ورزی در بازخوانی و بازنگری نوع رابطه و تعامل). در اپیزود اول فیلم، زوجی از دوستان ماریانه و یوهان (کاترینا و پیتر) میهمان آنها هستند. زن و مرد بیان

می‌کنند که در بعضی موارد با هم کار می‌کنند؛ اما مقالاتی که کاترینا می‌نویسد، به نام مرد چاپ می‌شوند. حالت کاترینا عصبانی و پراز خشم فروخورده است (خشم علیه فرهنگ مسلط مردسالارانه). بعد از رفتن میهمان‌ها، ماریانه به یوهان می‌گوید: «حالا فهمیدم چرا کاترینا و پیتر از هم بدشان می‌آید و با هم مشکل دارند، چون به زبان مشترکی حرف نمی‌زنند. ما زبان مشترکی داریم و شاید به همین دلیل رابطه ما خوب است» (اصرار بر استمرار نقش‌ها و کلیشه‌های فرهنگی غالب - تفکر نهادینه‌شده همسر مطیع برای زنان). در بخشی از اپیزود دوم، زنی مسن برای مشاوره طلاق به ماریانه مراجعه می‌کند که خانه‌دار است و بیش از ۲۰ سال از زندگی مشترک او گذشته است. ماریانه از او دلیل طلاقش را می‌پرسد. زن جواب می‌دهد: «چون هیچ عشقی در زندگی ما نیست» (موج بازاندیشی در تعاملات - بازخوانی معنای عشق). ماریانه از او می‌پرسد: آیا این تنها دلیل شماست. زن جواب می‌دهد بله» (فقدان عشق به مثابه دلیل جدایی - بازاندیشی در تعاملات عاطفی خانواده و همسران). در اپیزود دوم، پس از دیدار با زنی که برای طلاق مراجعه کرده بود، ماریانه سعی می‌کند گذشته خود با یوهان را مرور کند. با یوهان درباره زندگیشان و روابط زناشویی و خانوادگی‌شان که حالا متوجه شده اصلاً از آن رضایت ندارد، حرف می‌زند (آغاز بازاندیشی در ارزش‌های فرهنگی مسلط - طغیان علیه هنجارهای غالب فرهنگی - آغاز بازخوانی و بازاندیشی در نقش‌های نهادینه‌شده خانوادگی). ماریانه در جایی از اپیزود چهارم، شروع به خواندن دفترچه یادداشت‌هایش می‌کند: «امروز ناگهان عکس ده‌سالگی و دوران مدرسه‌ام را دیدم. به نظرم رسید چیزهای جدید فهمیده‌ام؛ باید اعتراف کنم که الان دیگر اصلاً خودم را نمی‌شناسم. خود قدیمی‌ام» (آغاز تفکر و بازاندیشی در خود - تلاش برای هویت‌یابی جدید فرهنگی - بازنگری در تعاملات). در اپیزود پنجم، ماریانه که از ترک همسر و بلا تکلیفی خسته شده است، به صورت جدی از طلاق حرف می‌زند. یوهان جدی نمی‌گیرد و زن ناگهان عصبانی می‌شود و می‌گوید: «همین الان باید برگه‌ها را بخوانی. ببر و با پائولا بخوانید تا مطمئن شوید چیزی اشتباه نیست. من باید تمام روز جان بکنم و احتیاجات بچه‌ها را رفع کنم اما تو ما را راحت ول کردی و دنبال زندگی خودت رفتی!» (تلاش برای بازیابی هویت - بازنگری در شرایط زندگی و تعاملات خود - فقدان ترس برای ابراز خشم - خروج از کلیشه زن در هر حالت مطیع - روبه‌رو شدن با هراس‌های ناشی از ترک شدن و ناکامی). او در ادامه همین بحث می‌گوید: «دائم به خودم دل‌داری می‌دادم که نارضایتی من چندان موضوع مهمی نیست. تو فکر می‌کردی دائم می‌توانی از طریق من همه کارهایت را انجام دهی. من مادر تو نبودم! (طغیان زنان علیه هضم شدن در

خانواده) اگر پشتم را به تو می‌کردم، عجیب نبود (خوداظهاری زنان- ارزیابی و سخن از رابطه زناشویی بدون هراس از قضاوت فرهنگ مسلط)، چون تو را دائم تحمل می‌کردم. بگذار بگویم دیگر حاضر نیستم تو را تحمل کنم. فرق طغیان من و تو این است که من واقعیت را درک کردم و دیدم» (بازنگری در تعاملات و کلیشه‌های ارتباطی خانواده- خوداظهاری زنان- طغیان زنان علیه کلیشه‌های دعوت به سکوت و اطاعت تحت هر شرایطی).

#### ۲.۴.۴ مقوله‌های عمل / تعامل

راهبردهای عمل/تعامل کنش‌های هدفمندی هستند که برای حل یک مسئله و در پاسخ به آنچه در زندگی روزمره پیش می‌آید صورت می‌گیرند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۵). در تحقیق حاضر، مقولات عمل/تعامل که بر واکنش‌ها در قبال تحولات خانواده و بازدارنده‌های واکنشی در مقابل این تحولات، تأکید و تمرکز دارند، به شرح ذیل هستند:

#### ۱.۲.۴.۴ معنایابی نوین برای مفاهیم قراردادی خانواده (مقوله واکنشی عمل / تعامل)

زمانی که ماریانه در اپیزود دوم از زن مراجعه‌کننده‌اش که قصد طلاق دارد، می‌پرسد آیا همیشه زندگی او این‌طور بوده است؟ زن در جواب می‌گوید: «بله همیشه همسر من مهربان و پدری خوب است. ما هرگز دعوا نمی‌کنیم، خانه‌ای بسیار زیبا داریم و هر دو به موسیقی علاقه‌مندیم» (بازتعریف مفهوم عشق در خانواده - چرخش معنای عشق از زندگی مسالمت‌آمیز به سمت ارضای عاطفی-تلاش زنان برای هویت‌یابی جدید). در اپیزود چهارم، ماریانه تلاش دارد قراردادهای سنت‌هایی را که عزت نفس او را همواره به چالش کشیده‌اند، نقد کند. او می‌گوید: «برای من و خواهرم هدف بزرگ‌شدن و خوشگل‌بودن و زندگی تشکیل دادن بود» (بازاندیشی در کلیشه‌های فرهنگی تعریف‌کننده زن). در اپیزود ششم که از همسر جدیدش می‌گوید، اشاره می‌کند که: «من و هنریک ارتباط لذت‌بخش و خوبی داریم. من سخت‌گیرتر او شده‌ام، اما یک بار هم فهمیدم زنانی در حاشیه زندگی او هستند» (نگاه واقع‌بینانه زن مدرن- دورشدن زنان از ساده‌اندیشی). این مفاهیم در اپیزود ششم، درحالی مهم می‌شوند که ماریانه در تجربه اولیه‌اش از خیانت یوهان، تا مدت‌ها فرافکنی می‌کرد و به‌سختی با واقعیتی که رخ داده بود، کنار آمد. در اپیزود چهارم، ماریانه بیان می‌کند: «من هم بعد از رابطه‌ای دیگر فهمیدم که چقدر از تو بدم می‌آمده است (جرئت‌ورزی برای بازاندیشی درباره تعاملات درون خانواده). ما در ظاهر با هم

می خندیدیم و شوخی می کردیم. فکر می کنی من آن موقع احساس بدبختی نمی کردم؟» (روبروشدن با نارضایتی از تعاملات خانوادگی-کم‌رنگ‌شدن کلیشه‌های اجبار بر اطاعت و سکوت-کم‌رنگ‌شدن رویکرد سنتی قراردادی-خوداظهاری زنان).

#### ۲.۲.۴.۴ بازخوانی مفهوم عشق (مقوله عمل تعامل واکنشی)

در پایان صحنه مشاوره طلاق در اپیزود دوم، می بینیم نگاه دو زن به هم، حاکی از وحشت هر دو از عواقب این تصمیم و تنهایی احتمالی است (هراس نهادینه زنان از ترک‌شدن و تنهاماندن). ماریانه در اپیزود دوم از زن مراجعه‌کننده‌اش که می‌خواهد طلاق بگیرد، می‌پرسد: «از اینکه تنها بمانی، نمی‌ترسی؟ زن: تنهابودن را به این زندگی فاقد عشق ترجیح می‌دهم» (جرئت‌ورزی زنان در بازخوانی معنای عشق- خوداظهاری زنان). در ابتدای اپیزود سوم، ماریانه که از بازگشت همسرش از سفر کاری خوشحال است، در حال توجیه و آوردن دلیلی برای ناراحت‌کردن مختصر او در شب گذشته است. در سخنانش به تلاشش برای کم‌کردن وزن و زیباترشدن تأکید می‌کند. او می‌گوید: «در این دو هفته، دو کیلو وزن کم کرده‌ام» (تلاش زنان برای جذب همسر با این ویژگی‌های ظاهری- نداشت عزت نفس- کلیشه شیء‌انگاری زن). همچنین در جایی که یوهان به او می‌گوید می‌خواهد با زن دیگری همراه شود و قصد ترکش را دارد، ماریانه می‌گوید: «می‌توانیم ازدواجمان را دوباره بسازیم و شرایط و قالب جدیدی برایش بگذاریم» (هراس زنان از ترک‌شدن و تنهایی- فقدان هویت مستقل زنان- هضم زنان در خانواده- ترس از دست‌دادن عشق در معنای کلیشه و رایج فرهنگی). یوهان به تمسخر می‌گوید: «حتماً همه‌اش ناراحتی که الان مردم، پدر، مادر و دوستانمان درباره ما چه می‌گویند؟» (هراس زنان از ناکامی-هراس زنان از برچسب‌های فرهنگی و اجتماعی- فقدان هویت مستقل زنان-هراس از طغیان علیه قراردادهای اجباری-هراس از بازنگری در معنای عشق در تعاملات). ماریانه در صحنه‌ای از اپیزود سوم که یوهان در حال رفتن است، ناگهان به گریه و التماس می‌افتد می‌گوید: «نرو؛ درستش می‌کنیم؛ می‌فهمیم کجا اشتباه کرده‌ایم»، اما یوهان او را به عقب پرتاب کرده و بیرون می‌رود. در اپیزود چهارم ماریانه کم‌کم اعترافاتی می‌کند و به خانواده قدیمش اشاره دارد: «همیشه سربه‌راه بودم و بی‌دست‌وپا. یکی، دو بار طغیان کردم که سریع تنبیه شدم و خاموش شد» (سرخورده‌گی ناشی از تضعیف جنس زن-هراس زنان از تنهایی و ترک‌شدن-هراس از تغییر- فقدان هویت مستقل زنان- هضم زنان در مفهوم خانواده). در اپیزود چهارم، ماریانه می‌گوید: «من زشت بودم برای همین تصمیم گرفتم آینده‌نگر باشم. در

دوران بلوغ تمام افکارم محور روابط جنسی بود اما عادت داشتم غریزه‌هایم را به شدت پنهان کنم (عدم مشروعیت اجتماعی هویت زنان- فقدان عزت نفس زن ضعیف تصور شده)، دائم تظاهر کرده‌ام و نقش بازی کرده‌ام تا همه را راضی نگه دارم. هرگز فکر نکرده‌ام خودم واقعاً چه می‌خواهم». در همین سکانس زمانی که یادداشت‌های ماریانه تمام می‌شود، متوجه می‌شود که یوهان تمام این مدت خواب بوده است (جدی‌انگاشته‌نشدن نظر و دیدگاه زن- تلاش برای هویت‌یابی مستقل- فرهنگ غالب نادیده‌انگاری نظر زنان). زن مسن مراجعه‌کننده ماریانه که قصد طلاق دارد، در اپیزود دوم درباره رابطه‌اش با همسرش می‌گوید: «هرگز بین ما عشق نبوده و الان هم نیست. درحالی‌که هرگز خیانت نکرده‌ایم» (نواندیشی درباره تعاملات بین فردی- تغییر کلیشه‌های جنسیتی در تعاملات زوجین). زن می‌گوید: «با خودم می‌گویم من لیاقت تجربه عشق را دارم» (تلاش برای معنایابی نوین عشق- بازاندیشی در معنای عشق). در اپیزود سوم که یوهان می‌خواهد ماریانه را ترک کند، می‌گوید: «من و تو داشتیم خفه می‌شدیم» (زیرسؤال‌بردن تصور عشق سنتی پیشین- بازخوانی معنای عشق در تعاملات رایج خانواده). در آخرین دیالوگ‌های اپیزود ششم که ماریانه و یوهان در حال مرور سال‌های زندگی پیشین، جدایی و ارتباط و احساس میان خود هستند، ماریانه اشاره می‌کند: «من گاهی از این واقعیتی که به آن رسیده‌ام وحشت می‌کنم. اینکه کسی را هرگز دوست نداشته‌ام. شاید کسی هم من را دوست نداشته است؟!» (گمگشتگی مفهوم عشق- تلاش برای خوانش دیگر از عشق- بازخوانی احساس موجود در تعاملات همسران سنتی- تفکیک معنای عشق از پیروی‌های قراردادی در خانواده). یوهان هم در جواب او می‌گوید: «اما ما اینجا هستیم. واقعی و زمینی. من هم نمی‌توانم عشق را ترسیم کنم» (سرگشتگی انسان نوین- تزلزل آگاهی‌های انسان مدرن- تغییر معنای عشق- بازخوانی و بازاندیشی در معنای عشق- جرئت‌ورزی اندیشه به ورای کلیشه‌های قراردادی). ماریانه در جای دیگر می‌گوید: «من امروز سعی کردم به تو نزدیک‌تر شوم؛ اما واقعاً تمام حسم به تو دوستانه است. احساس می‌کنم دیگر از تو رها شده‌ام و چقدر هم از این موضوع خوشحالم» (رهاشدن از تعاریف قراردادی عشق- طغیان علیه قراردادهای نهادینه‌شده- روبه‌روشدن و اندیشه درباره معنای جدید عشق- خوانش جدید عشق).

#### ۳.۲.۴.۴ هضم تعریف زن در مفهوم خانواده (مقوله بازدارنده واکنش عمل / تعامل)

ماریانه در اپیزود اول فیلم در جواب سؤالات خبرنگار با لکنت و محتاطانه درحالی‌که نمی‌تواند مثل همسرش از خوبی‌های خود بگوید، بیان می‌کند: «من همسر یوهان هستم. دو



دختر دارم و ده سال است ازدواج کرده‌ام. یوهان مرد خوبی است و از زندگی زناشویی راضی هستم» (فقدان تعریف مستقل زن- تلقی سنتی از زن به منزله مادر و همسر- نادیده‌انگاری هویت اجتماعی و شغلی زنان از سوی جامعه سنتی). زمانی که یوهان در اپیزود سوم بعد از بازگشت از سفر، به ماریانه اعلام می‌کند عاشق شاگردش شده است، ماریانه در بهت و حیرت می‌گوید: «از خودم تعجب می‌کنم که چرا اصلاً مشکوک نشده بودم و همه چیز عادی بود. من یک کور احمق بودم» (خوش‌بینی کورکورانه- ساده‌اندیشی- نادیده‌گرفتن تمایلات خود مستقل از خانواده). اما در اپیزود چهارم، یوهان با تعجب به ماریانه که می‌خواهد زودتر تکلیفش مشخص شود و درحالی‌که یوهان مدت‌هاست با زن دیگری وارد رابطه شده و خانه را ترک کرده، طلاق بگیرد می‌گوید: «آیا با کسی آشنا شدی؟ دوست دارم از آشنایی جدیدت به من بگویی» (نپذیرفتن حق زن برای هویت مستقل از مرد- نپذیرفتن و قائل‌نشدن حق رهایی برای زنان). همچنین در این اپیزود یوهان با اطمینان خاطر از قبول‌شدن خواسته‌اش به ماریانه می‌گوید می‌خواهد برگردد و می‌گوید: «من احساس می‌کنم دوباره تو را دوست دارم» (نپذیرفتن حق انتخاب مستقل برای زن).

#### ۳.۴.۴ مقولات پیامدی

پیامدها نشان می‌دهند که در نتیجه اعمال و تعاملاتی که افراد در شرایطی خاص صورت داده‌اند چه پیش می‌آید. مقولات پیامدی در تحقیق حاضر به پیامدهای مثبت و منفی تحولات خانواده در دهه ۷۰ قرن بیستم در سوئد و هم‌زمان با موج دوم جنبش‌های زنان غرب اختصاص دارند.

#### ۱.۳.۴.۴ تلاش برای هویت‌یابی مستقل (مقوله پیامدی مثبت)

در اپیزود چهارم فیلم که اعماق اشک‌ها نام‌گذاری شده، یوهان در بازگشت به سوئد با ماریانه دیدار می‌کند. ماریانه اعتراض می‌کند به او: «تو با من تماس نمی‌گیری. بچه‌ها حتی اسم تو را نمی‌آورند؛ بهتر است که زودتر موضوع طلاق رسمی‌مان را مشخص کنیم. شاید من هم بخواهم ازدواج کنم و برای خودم زندگی دیگری داشته باشم» (تلاش برای هویت‌یابی جدید فرهنگی- تلاش برای رهایی از ترس‌ها- بازنگری درباره تعاملات بین فردی در خانواده- خوداظهاری زنان). شاید من خودآزارم و تفاوتش را با زنی بسیار عاشق دیگر نمی‌دانم. تو نباید به جسم من نزدیک شوی. تو دوباره می‌روی و من با کوهی از درد می‌مانم. احساس یک احمق بیچاره را دارم» (تلاش زنان برای رهایی از درماندگی و

وابستگی). یوهان سعی می‌کند او را آرام کند و از او می‌خواهد نوشته‌هایش را برایش بخواند، اما ماریانه در پاسخ به این حرکت او می‌گوید: «به من نزدیک نشو. تو دیگر باید به روحم دیگر نزدیک شوی!» (تلاش زنان برای هویت‌یابی نوین-تمرین تسلط بر خود). ماریانه می‌گوید: «پیش روانشناس رفته‌ام و به من گفته است که هرچه فکر می‌کنم بنویسم» (تلاش زنان برای بازسازی هویت مستقل جدید-تلاش برای دورکردن ترس از رهاشدن). در اپیزود ششم با نام نیمه‌شب در خانه‌ای تاریک بعد از ده سال می‌بینم این دو که هرکدام ازدواج دیگری کرده‌اند، در بیستمین سالگرد آشنائیشان یکدیگر را ملاقات کرده‌اند. ماریانه به مثابه اعترافی بر آنچه از تمام جریانات و نوع تعامل و احساس میان خود و یوهان در همه این سال‌ها داشته است، می‌گوید: «اگر این حرف من را حمل بر بی‌شرمی نکنی، باید بگویم که رابطه من و تو فقط رابطه‌ای قراردادی بود» (رفع هراس از بیان واقعیت در روابط-بازاندیشی در معنای روابط عاطفی- جرئت‌ورزی زنان در بازاندیشی در تعاملات خانوادگی-خودیابی و خوداظهاری زن- استقلال‌یابی هویتی).

#### ۲.۳.۴.۴ تلاش برای رهایی (مقوله پیامدی مثبت)

ماریانه در اپیزود اول و در زمان مصاحبه با خبرنگار می‌گوید: از همان اول خانواده‌ام تصمیم گرفتند من حقوق بخوانم و من هم متخصص حقوق خانواده شدم. پدرم قاضی است و تصمیم گرفت من وکالت بخوانم (بازنمایی نقش دنباله‌رو بودن زن- جایگاه زنان براساس تصمیمات فرهنگ سنتی مردسالار در خانواده- خوداظهاری و تلاشی برای رهایی). در اپیزود دوم، ماریانه صبح که از خواب بیدار می‌شود در اضطراب و خشم درباره شام اجباری است که باید هر هفته با پدر و مادرش صرف کنند. این کار در حقیقت جزئی از زندگی او شده و چون به استمرار این عمل بی‌میل است، دچار اضطراب شده است. به پیشنهاد و با مشورت یوهان به مادرش زنگ می‌زند و اعلام می‌کند این هفته مثل هر یکشنبه به منزل آنها نخواهد رفت، بلکه می‌خواهد زمان را در منزل و با بچه‌ها سپری کنند. به هم‌زدن اصول فامیلی و عادت و اجبار قراردادی از سوی ماریانه که همواره در نقش مطیع بوده و خواست خود را ابراز نمی‌کرده است، تا جایی به نظر مادرش عجیب می‌آید که تلفنی مسئله را از یوهان پیگیری می‌کند (نفوذ افکار جدید ایجادشده جامعه به داخل نهاد خانواده- نواندیشی درباره تعاملات بین‌فردی- تلاش برای هویت‌یابی جدید فرهنگی- تغییر کلیشه‌های غالب فرهنگی- تلاش برای تغییر ارزش‌های عادی‌انگاشته‌شده- خوداظهاری). یوهان در اپیزود سوم، زمانی که به ماریانه اعلام می‌کند عاشق یکی از

شاگردانش شده، می گوید: «فردا عصر با او به پاریس می روم. من می خواهم رها شوم» (تلاش برای رهایی از قراردادهای اجبارها- تلاش برای رهایی از کلیشه ها و اجبارها) یوهان می گوید: «خیلی بهتر است به خوبی جدا شویم. مدت زیادی است که به ترک تو فکر می کنم» (تلاش برای رهایی از قراردادهای اجباری- بازاندیشی درباره عشق- بازاندیشی در تعاملات همسران و ارتباطات درون خانواده). یوهان ادامه می دهد: «هیچ چیز با خودم نمی برم. فقط می خواهم از اینجا و از تو رها شوم. از سردرگمی خسته شدم. اصلاً تصور نمی کنم میان ما حسی واقعی باشد» (بازاندیشی درباره عشق- بازاندیشی و تفکر درباره تعاملات خانواده- تلاش برای رهایی از قراردادهای اجباری- تلاش برای فهم جدید از معنای روابط قراردادی). در اپیزود پنجم که زن و مرد برای طلاق در دفتر کار یوهان مشغول مذاکره هستند، ماریانه بدون ترس و بی پروا می گوید: «من لیست اجناس و اموال مشترکمان را تنظیم کرده ام؛ فردا باید کاغذهای طلاق را امضا کنیم. خسته شدم از بلا تکلیفی» (خوداظهاری زن- بازیابی هویت مستقل- تلاش برای رهایی- استقلال زن). یوهان می گوید: «ما بعد از مدت ها زندگی، تازه فهمیدیم جز فقر و خشم حقیقی بین ما نیست. من ۴۵ ساله شده ام و کاملاً جدی و خشک هستم؛ درحالی که همه معتقدند این سن، زمان شکوفایی افراد است» (تلاش انسان نوین برای بازخوانی قراردادهای اجباری- بازاندیشی در رضایت از زندگی). ماریانه می گوید: «من از تو بدم آمده؛ چرا باید همیشه تو با حرف های تصمیم گیری کنی و تکلیف امور را معلوم کنی؟» (تلاش زنان برای هویت یابی مستقل- نواندیشی درباره تعاملات درون خانواده- بازخوانی معنای روابط عاطفی و عشق).

#### ۳.۳.۴.۴ گمگشتگی انسانها (تغییر هنجارها، تغییر تعریف وفاداری) (مقوله

##### پیامدی منفی)

یوهان در اپیزود پنجم بعد از اینکه از ترک ماریانه و رابطه جدیدش پشیمان به نظر می رسد، به جای امضای درخواست طلاق می گوید: «من از پائولا خسته شده ام. تنهایی بهتر از بودن با اوست. می خواهم به خانه برگردم. وابستگی من به تو عمیق تر از تصورم بود، مقصر منم و در سرآشویی و در حال سقوط هستم» (گمگشتگی). در اپیزود ششم، ماریانه به بازنگری گذشته اش می پردازد: «الان چیزهای جدیدی فهمیده ام که این از خودگذشتگی نبوده است؛ این زبونی مطلق بوده است» (کم رنگ شدن نفوذ سنتی- تلاش برای هویت یابی مستقل- نواندیشی درباره خود-سرگشتگی و هراس). در اپیزود ششم، زمانی که ماریانه با دیدن خوابی وحشت آور بیدار می شود، این گونه تعریف می کند: «من مجبور بودم با تو و

دخترها از جاده خطرناکی رد شوم» ( ترس های نهادینه شده)، اما دست نداشتم که دست شما را بگیرم. داشتم در شن فرو می رفتم. دستم به شما نمی رسید. آیا ما در سردرگمی مطلق هستیم؟ (اطمینان نداشتن از سودبخشی تغییرات، ترس از سرگشتگی، اطمینان نداشتن به خود) آیا در نهان داریم سقوط می کنیم؟ ممکن است چیز مهمی را از دست داده باشیم» (سرگشتگی انسان نوین).

## ۵.۴ جمع بندی و نتایج مقایسه ای مقولات و مفاهیم

جدول مفاهیم و مقولات

تکرار	مفاهیم	مقوله ها	دسته بندی	ردیف
۱۰	تفاوت معیارهای ارزشمندی زنان و مردان، کلیشه های رایج و هنجارهای مسلط اجتماعی در تعاملات خانواده نفوذ موج بازناندیشی در حوزه خصوصی - نواندیشی درباره تعاملات خانوادگی - بازناندیشی در معنای عشق - مقصر وانمود کردن زنان در عدم رضایت از روابط خانوادگی و زناشویی - تسلط ارزش ها و کلیشه های رایج - خشم هنجارهای غالب در برابر تلاش زنان برای بازیابی هویت - نداشتن شناخت عمیق زوج از هم - ضروری دیدن ادامه روابط خانوادگی به صورت قراردادی - تلاش زن برای تطبیق خود با هنجارها و کلیشه های جامعه - تصور نداشتن حق اعتراض - نپذیرفتن حق انتخاب و رهایی برای زن - نادیده گرفتن خواست و حق زن - تسلط فرهنگ غالب زن خوب به مثابه همسر مطیع - کلیشه های مسلط فرهنگی - اجتماعی	هنجارهای مسلط فرهنگی - اجتماعی (مقوله شرایط علی)		
۱۹	جرئت ورزی برای بازنگری در تعاملات - ارزیابی فرهنگ مسلط - آغاز حساسیت رسانه ای به بازنمایی زن مستقل - جرئت ورزی در بازخوانی و بازنگری نوع رابطه و تعامل - خشم علیه فرهنگ مسلط مردسالارانه - اصرار بر استمرار نقش ها و کلیشه های فرهنگی غالب - تفکر نهادینه شده همسر مطیع برای زنان - موج بازناندیشی در تعاملات - بازخوانی معنای عشق - فقدان عشق به مثابه دلیل جدایی - بازناندیشی در تعاملات عاطفی خانواده و همسران - بازناندیشی در ارزش های فرهنگی مسلط - طغیان علیه هنجارهای غالب فرهنگی - بازخوانی و بازناندیشی در نقش های نهادینه شده خانوادگی - تفکر و بازناندیشی در خود - تلاش برای هویت یابی جدید فرهنگی - بازنگری در تعاملات - تلاش برای بازیابی هویت - بازنگری در شرایط زندگی و تعاملات خود - فقدان ترس برای ابراز خشم - خروج از کلیشه زن در حالت مطیع - روبه رو شدن با هراس های ناشی از ترک شدن و ناکامی - طغیان زنان علیه هضم شدن در خانواده - بازنگری در تعاملات و کلیشه های ارتباطی خانواده - خوداظهاری زنان - طغیان زنان علیه	آغاز موج نواندیشی فرهنگی (مقوله شرایط زمینه ای)	مقوله های شرایط (علی - مداخله گر زمینه ای)	۱

	<p>کلیشه‌های دعوت به سکوت و اطاعت تحت هر شرایطی - خوداظهاری زنان - ارزیابی و سخن از رابطه زناشویی بدون هراس از قضاوت شدن</p>			
۹	<p>بازتعریف مفهوم عشق در خانواده - چرخش معنای عشق از زندگی مسالمت‌آمیز به سمت ارضای عاطفی - تلاش زنان برای هویت‌یابی جدید - بازاندیشی در کلیشه‌های فرهنگی تعریف‌کننده زن - نگاه واقع‌بینانه زن مدرن - دورشدن زنان از ساده‌اندیشی - رویه‌روشدن با نارضایتی از تعاملات خانوادگی - کم‌رنگ‌شدن کلیشه‌های اجبار بر اطاعت و سکوت - کم‌رنگ‌شدن رویکرد سستی قراردادی - خوداظهاری زنان - جرئت‌ورزی برای بازاندیشی در تعاملات درون خانواده</p>	<p>معنایابی نوین برای مفاهیم قراردادی خانواده (مقوله عمل/تعامل واکنشی)</p>		
51	<p>هراس نهادینه زنان از ترک‌شدن و تنهاماندن - جرئت‌ورزی زنان در بازخوانی معنای عشق - خوداظهاری زنان - هراس زنان از ترک‌شدن و تنهایی - فقدان هویت مستقل زنان - هضم زنان در خانواده - ترس از دست‌دادن عشق در معنای کلیشه و رایج فرهنگی - هراس زنان از ناکامی - هراس زنان از برچسب‌های فرهنگی و اجتماعی - فقدان هویت مستقل زنان - هراس از طغیان علیه قراردادهای اجباری - هراس از بازنگری در معنای عشق در تعاملات - جدی‌انگاشته‌نشدن نظر و دیدگاه زن - تلاش برای هویت‌یابی مستقل - فرهنگ غالب نادیده‌انگاری نظر زنان - عدم مشروعیت اجتماعی هویت زنان - فقدان عزت نفس زن به دلیل تصور ضعیف غالب - سرخوردگی ناشی از تضعیف قدرت زن - هراس زنان از تنهایی و ترک‌شدن - هراس از تغییر - فقدان هویت مستقل زنان - هضم زن در مفهوم خانواده - نواندیشی درباره تعاملات بین‌فردی - تغییر کلیشه‌های جنسیتی در تعاملات زوجین - تلاش برای معنایابی نوین عشق - بازاندیشی در معنای عشق - زیرسؤال‌بردن تصور عشق سنتی پیشین - بازخوانی معنای عشق در تعاملات رایج خانواده - گم‌گشتگی مفهوم عشق - تلاش برای خوانش دیگر از عشق - بازخوانی احساس موجود در تعاملات همسران سنتی - تفکیک معنای عشق از پیروی‌های قراردادی در خانواده - سرگشتگی انسان نوین - تزلزل آگاهی‌های انسان مدرن - تغییر معنای عشق - بازخوانی و بازاندیشی در معنای عشق - جرئت‌ورزی اندیشه به ورای کلیشه‌های قراردادی - رهاشدن از تعاریف قراردادی عشق - طغیان علیه قراردادهای نهادینه‌شده - رویه‌رویی و تفکر درباره معنای جدید عشق - خوانش جدید عشق</p>	<p>بازخوانی مفهوم عشق (مقوله عمل تعامل واکنشی)</p>	<p>مقوله‌های عمل / تعامل</p>	۲
۶	<p>فقدان تعریف مستقل زن - تلقی سنتی از زن به منزله مادر و همسر - نادیده‌انگاری هویت اجتماعی و شغلی زنان از سوی جامعه سنتی - خوش‌بینی کورکورانه - ساده‌اندیشی - نادیده‌گرفتن تمایلات خود مستقل از خانواده - نپذیرفتن حق زن برای هویت مستقل از مرد - نپذیرفتن وقائل‌شدن حق‌رهایی برای زنان - نپذیرفتن حق انتخاب مستقل زن</p>	<p>هضم تعریف زن در مفهوم خانواده (بازدارنده واکنشی)</p>		
۱۵	<p>تلاش برای هویت‌یابی جدید فرهنگی - نواندیشی درباره تعاملات بین‌فردی - تلاش زنان برای رهایی از درماندگی و وابستگی - تمرین افزایش تسلط بر خود تلاش برای دورکردن ترس از رهایی - خودیابی و استقلال هویت</p>	<p>تلاش زنان برای رهایی و هویت‌یابی مستقل (پیامدی مثبت)</p>	<p>مقوله‌های پیامدهای مثبت و مثبت</p>	۳

۹۰ تحولات خانواده و بازخوانی معنای عشق به منزله شورش در رهایی؛ (با تأکید بر فیلم ...

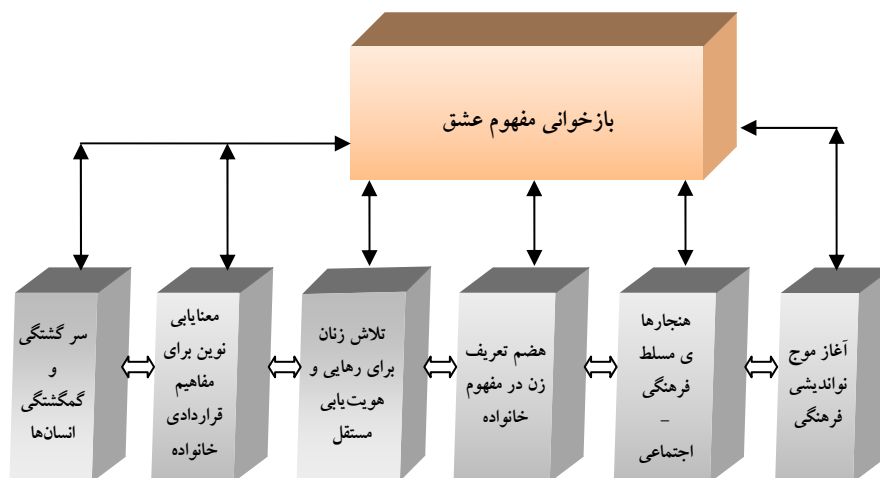
	<p>بازنمایی نقش دنباله‌رو بودن زن - جایگاه زنان براساس تصمیمات فرهنگ سنتی مردسالار در خانواده - خوداظهاری و تلاشی برای رهایی - نفوذ افکار جدید ایجاد شده جامعه به داخل نهاد خانواده - نواندیشی درباره تعاملات بین فردی - تلاش برای هویت‌یابی جدید فرهنگی - تغییر کلیشه‌های غالب فرهنگی - تلاش برای تغییر ارزش‌های عادی انگاشته شده - خوداظهاری - تلاش برای رهایی از قراردادها - تلاش برای رهایی از کلیشه‌ها - تلاش برای رهایی از قراردادهای اجباری - بازاندیشی درباره عشق - بازاندیشی در تعاملات همسران و ارتباطات خانوادگی - بازاندیشی درباره عشق - بازاندیشی و تفکر درباره تعاملات خانواده - تلاش برای رهایی از قراردادهای اجباری - تلاش برای فهم جدید از معنای روابط قراردادی - خوداظهاری زن - بازیابی هویت مستقل - تلاش برای رهایی - استقلال زن - تلاش انسان نوین برای بازخوانی قراردادهای اجباری - بازاندیشی در رضایت از زندگی - تلاش زن برای هویت‌یابی مستقل - نواندیشی در تعاملات خانواده - بازخوانی معنای عشق</p>		منفی
۷	<p>گمگشتگی - کم‌رنگ شدن نفوذ سنتی - تلاش برای هویت‌یابی مستقل - نواندیشی درباره خود - سرگشتگی و هراس ترس‌های نهادینه شده - اطمینان‌نداشتن از سودبخشی تغییرات، ترس از سرگشتگی، اطمینان‌نداشتن به خود - سرگشتگی انسان نوین</p>	گمگشتگی انسان‌ها (مقوله پیامدی منفی)	

با توجه به تحلیل داده‌ها و مقوله‌بندی‌ها، به نظر می‌رسد کارگردان مفاهیم و داده‌های مرتبط را در شش اپیزود که هریک حاوی اطلاعات مرتبطی هستند و از زاویه متفاوتی به رابطه خانوادگی و تغییر نگرش‌های زنان آن زمان جامعه سوئد می‌پردازند، تقسیم کرده است. نوعی نمایش تغییر نگرش و خواسته‌های انسان‌ها در چارچوب خانواده، روابط عاطفی و تغییرات معنای عشق در خانواده، و رای آنچه همسران قراردادی به آن مشغول هستند در اپیزودهای فیلم می‌توان مشاهده کرد. این فیلم در زمان خود انسانی را که از نظم یکنواخت زندگی سنتی ناگهانی و ناخواسته خسته شده، به تصویر کشیده است. در نهایت در تحلیل‌های پایانی می‌توان دید کارگردان از زاویه‌ای دیگر هم مسئله را باز می‌گذارد و قضاوت را به بیننده می‌دهد. این مسئله در پایان و تحلیل داده‌ها و مقولات نهایی برجسته می‌شود که آنچه درباره تلاش برای هویت‌یابی و بازخوانی و بازفهمی معنای عشق نمایش داده شد و البته بازتاب جامعه آن زمان است، همیشه این امکان را ندارد که مطلوب انگاشته شود و گاهی با گمگشتگی و سرگردانی انسان مدرن همراه است. مطابق نقل‌ها، پس از پنخش شدن این فیلم، آمار طلاق در سوئد افزایش یافته است و موجی از بدبینی یا شاید بازاندیشی در روابط و معنایابی دیگر برای عشق در زوج‌ها به راه افتاده است، اما در

حقیقت می‌توانیم به صورت بارز ردپای بازاندیشی و نواندیشی در مسیر شکستن تابوها و قراردادهایی که گویا همیشگی هستند و عشق در معنای قراردادی‌اش را مشاهده کرد که حاصل این فرایند برای انسان مدرن رهایی خواهد بود.

### ۶.۴ مدل مفهومی

باتوجه به دسته‌بندی تحلیل داده‌ها و مفاهیم، در مقولاتی که در جدول فوق دیده می‌شوند، مقوله‌های شریطی، علت و زمینه‌ساز موضوع مورد مطالعه شامل هنجارهای مسلط فرهنگی - اجتماعی و آغاز موج نواندیشی فرهنگی هستند. مقولات عمل/تعاملی که در انواع واکنشی و واکنشی بازدارنده هستند شامل معنایابی نوین برای مفاهیم قراردادی خانواده، بازخوانی مفهوم عشق و هضم تعریف زن در مفهوم خانواده هستند. تلاش زنان برای رهایی و هویت‌یابی مستقل و سرگشتگی و گمگشتگی انسان‌ها در اثر تغییر هنجارها، تغییر تعریف وفاداری و عشق، مقولات پیامدی این تحولات و تغییرات نگرشی هستند.



### ۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق، هفت مقوله اصلی از مفاهیم در سه زمینه شریطی، عمل/تعاملی و پیامدی، با تکیه بر روش تحقیق نظریه‌مبنایی و براساس استنتاجات استقرایی این روش استخراج شدند. لازم به توضیح است که در نوشتار حاضر، ملاک عمل روش تحقیق نظریه‌مبنایی

بوده که بخودی خود تئوری محسوب نمی شود، بلکه محقق را در مسیر نظریه پروری یاری می کند. با توجه به مورد مطالعه؛ فیلم «صحنه‌هایی از یک ازدواج»، مقوله شرایط فرهنگی حاکم در غرب در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که زمان شکوفایی جنبش‌های زنان بود، دلیل ایجاد و آغاز تغییرات و تحولات خانواده بود. با معنایابی نوین برای مفاهیم قراردادی و سنتی موجود در خانواده آن زمان و تلاش زنان برای رهایی از قراردادهای تثبیت‌شده در خانواده و تعاملات خانوادگی، مقوله بازخوانی مفهوم عشق، مقوله برجسته و مرکزی در راستای تحولات نگرشی زنان و تحولات خانواده شناخته شد. هم‌زمان، بازدارنده‌هایی نیز در برابر این تغییرات همچون ترس‌های ریشه‌دار در فرهنگ مسلط و تربیت سنتی، ترس از تنهایی و دشوار و ناممکن دیده‌شدن دستیابی زنان به استقلال هویتی تا آن زمان؛ یعنی دهه ۶۰ در غرب، وجود داشتند. این بازدارنده‌ها برآمده از تحلیل داده‌ها و مقولات ساخته شده این مطالعه است. هرچند حاصل این تحولات و شورش‌های زنان در آن دوره، چشمگیر بود و تلاش برای رهایی از نقش فرودست و ضعیف و تلاش برای هویت‌یابی مستقل از دستاوردهای مهم آنها بود؛ اما در نهایت سرعت زیاد تحولات، به‌نوعی با سرگشتگی انسان مدرن عجین می‌شود که این مقوله نیز در مقولات برآمده از مفاهیم تحقیق برجسته شده است. انسانی که با وجود اینکه تصور می‌کند به خواسته درونی خود و رضایت نسبی از انتخاب‌ها و زندگی خود دست یافته است و در واقع علیه اجبارهای اجتماعی و فرهنگی غالب شورش کرده است، هنوز آنطور که در داده‌ها و تحلیل داده‌ها مشاهده می‌کنیم، نتوانسته خود را با نوع و سرعت تحولات به طور کامل هماهنگ کرده و در نهایت دچار نوعی آشفتگی هویتی شده است. با آنچه در تبیین و تفسیر مقوله‌های حاضر و خط سیر داستان بیان شد، مقوله مرکزی این تحقیق، یعنی بازخوانی مفهوم عشق، بیشترین نقش را در شکل‌گیری سؤالاتی که منجر به پیش‌بردن تحولات خانواده به موازات مطالبات زنان شده، داشته است و رد پای آن در مقولات حاصل شده نیز مشهود بود. از طرفی اشباع‌شده‌ترین مقوله تحقیق حاضر نیز شناخته شد. مقولات دیگر حول محور و در ارتباط با این مقوله تبیین می‌شوند و با مرکزیت این مقوله، سایر مقولات می‌توانند یکدیگر را توضیح دهند. از طرفی، باتوجه به آنچه در نهایت به عنوان سرگشتگی و تردید انسان مدرن درباره این چرخش معنایی و تحولاتی شکل گرفت، می‌توان با تکیه بر دیدگاه آلبر کامو، به توصیفی انتزاعی از این مقوله مرکزی استخراج شده دست یافت. کامو، پوچی را نه پایان، بلکه سرآغازی می‌داند که با فهم آن، باید از آن گذر کرد (۲۰). در تطبیق نظر کامو با مقوله‌های



بازخوانی مفهوم عشق و تلاش برای رهایی، می‌توان گفت گذر از ساختار فرهنگی سنتی که زن را خارج از خانواده نمی‌تواند به صورت مستقل تعریف کند، با هدف معنایابی نوین برای مفهوم عشق در خانواده، می‌تواند به توصیفی تحت عنوان «شورش در رهایی» تعبیر شود. در سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، غالباً "بر روند جهانی شدن و تأثیر آن بر چارچوب خانواده متمرکز شده اند؛ درحالی‌که نوشتار حاضر بر نقش عشق به عنوان محور کلیدی این بحث تمرکز دارد و تحول نگرش نسبت به خانواده را بر پایه مطالبات زنان در فضای متحول جهانی شدن بررسی کرده است.

با موج دوم جنبش‌های زنان در غرب و بعد از آن، افزایش تمرکز بر خوانش‌های جدید از مفاهیمی مانند مناسبات خانوادگی و عشق، همچنین آغاز به‌چالش کشیدن قراردادهای کلیشه‌های مسلط در نهاد خانواده و مناسبات همسران، مسئله هویت‌یابی مستقل زنان تاحدی برجسته شد که تا به امروز هم در جوامع مختلف محل مناقشه است. تحولات خانواده در تحقیق حاضر، تحولات مناسبات اعضا خانواده و تحول معنایی مفاهیم این حوزه در جریان موج دوم جنبش‌های زنان و به طور مشخص در جامعه سوئد، در مقوله تلاش زنان برای رهایی و در قالب نوعی طغیان دیده شد. شورشی که به باور بسیاری از تحلیلگران و همچنین در یافته‌های مطالعه حاضر و پژوهش‌های متعدد دیگر، شاید منجر به شکل‌گیری صورت‌بندی نوینی از سرگشتگی انسان‌های مدرن امروزی شده است. با توجه به ضرورت مطالعاتی با رویکرد تاریخی - تطبیقی، پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات بیشتر به ویژه درباره جوامع رو به توسعه باشد که امروزه می‌بینیم همراه با تغییرات اجتماعی - فرهنگی، موج تحولات نوین و جهانی در نهاد خانواده با توجه به نفوذ ابزارهایی مانند رسانه‌ها، به این نوع جوامع نیز رسیده است. باید در نظر داشت که آنچه تجارب جوامع توسعه‌یافته نشان می‌دهد و در تحقیق حاضر هم تاحد زیادی قابل لمس بود، نشان از فروپاشی خانواده ندارد، بلکه تغییراتی سریع را در بر می‌گیرد که منجر به تحولاتی ناگزیر شده‌اند. گرچه این مقوله برجسته و دیده شد که اعضا جامعه و خانواده‌های در حال گذار، امکان دارد که در فقدان راهبردهای خاص و برنامه‌ریزی‌های مطابق با فرهنگ بومی خود، در مواجهه با این تحولات، به سرگشتگی مبتلا شوند. آن‌طور که در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر مشاهده شد، انسان مدرن غربی در جوامعی که امروزه توسعه‌یافته محسوب می‌شوند، نتوانست خود را با صورت و سرعت تحولات اجتماعی و فرهنگی به‌طور کامل هماهنگ کند و در مواجهه با این تحولات گرچه سبک زندگی و مناسبات خود را در

خانواده تغییر داد، ولی هم‌زمان به نوعی آشفتگی هویتی و فردی نیز دچار شد. می‌توان اذعان داشت که در بازاندیشی و فهم روند تحولات خانواده غربی، چنانچه این اقدام به مثابه سلسله تحقیقات و مطالعات فرهنگی- اجتماعی ضروری انگاشته شود، بتدریج این امکان وجود دارد که برای شکل‌گیری راهبردهایی کارآمد با هدف گذار خانواده به بهترین نحو از دوران سنتی به مدرن بسترسازی شود که این مسئله برای جوامع روبه توسعه و درحال‌گذار اهمیت دارد. تلاش برای برنامه ریزی و آگاهی‌سازی مطابق با بستر فرهنگی- اجتماعی جوامع مختلف از مسیر فهم تحولات جوامعی که قبلاً این روند را تاحدی طی کرده‌اند، منجر خواهد شد تا افراد در مواجهه با تحولات دنیای مدرن، دوران گذار را با آمادگی و بینش عمیق‌تری پشت سر گذاشته و کمتر گرفتار حس ناامیدی، سرگشتگی‌های فردی- هویتی و چالش‌های عقلانی شوند.

### کتاب‌نامه

- ۱- آرمسترانگ، جان (۱۳۹۳). شرایط عشق، فلسفه صمیمیت؛ ترجمه مسعود علیا، تهران: نشر ققنوس، چاپ اول
- ۲- ابوت پاملا، والاس، کلر (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی؛ مترجمان مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر، چاپ اول
- ۳- ارمکی، تقی و دیگران (۱۳۷۹). چاپ در مجله علمی پژوهشی دانشگاه تهران شماره‌های ۴۴ و ۴۵
- ۴- استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نشر نی
- ۵- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، چاپ اول
- ۶- بشیر، حسن و اسکندری، علی (۱۳۹۲). بازنمایی خانواده ایرانی در فیلم یک حبه قند، فصلنامه تغییرات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره ۲
- ۷- حیدری بیگوند، داریوش (۱۳۸۰)، عوامل محدودکننده دگرگونی‌های ساختاری و عملکردی خانواده از دیدگاه میان‌رشته‌ای، مجموعه مقاله‌های مجله علمی دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مجله شماره ۳۴
- ۸- دهقان، رقیه، (۱۳۹۱)، مقایسه سبک‌های دلبستگی در دوره‌های مختلف تحول خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
- ۹- رضایی، قاسم (۱۳۹۲). مطالعه و تأملی بر رویکرد آلبر کامو به معنای زندگی، مجله پژوهش ادبیات معاصر، دوره ۱۸، شماره ۲

- ۱۰- ذکائی، م، س (۱۳۸۱). نظریه و پژوهش در روش‌های کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۷
- ۱۱- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)، ترجمه حسین بهروان، چاپ دوم، مشهد، نشر آستان قدس رضوی
- ۱۲- طنازی ندا، تربتی، سروناز (۱۳۹۱). تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر ارزش‌های خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
- ۱۳- گرانمایه پور، علی (۱۳۸۵). نقدی بر نظریات دانیل لرنز پیرامون توسعه در جهان سوم. نشریه الکترونیکی فصل نو
- ۱۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۵- مک کوئیل، دنیس. (۱۳۸۰) مخاطب‌شناسی. ترجمه دکتر مهدی منتظر قائم. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۶- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول
- ۱۷- ویلفورد، ریک (۱۳۷۵). فمینیسم، در: یان مکنزی و دیگران، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م. قائد، تهران، نشر مرکز، چاپ اول

18- Hutcheon, Linda; "The Politics of Postmodernism"; Publisher: Routledge. London, 2002

19- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. Psychological review